



علیرضا صدرا؛ فراتر از گروه و جریان

پدیدآورنده (ها) : متقی، ابراهیم

علوم اجتماعی :: نشریه علوم انسانی اسلامی صدرا :: پاییز و زمستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۲ و ۴۳

صفحات : از ۱۹۶ تا ۱۹۹

آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/2020011>

تاریخ دانلود : ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



- تمدن اسلامی؛ تمدنی فراتر از ملیت و مذهب جریان روشنفکری، پروژه‌ی تمدن سازی علمی ما را جلو نمی‌برد
- بررسی تطبیقی جریان جهیمان العتیبی و گروه داعش در بهره گیری از اندیشه مهدویت
- گزارش ویژه: مدیریت احساس و نقش آن در بحران های کسب و کار / حرکت احساسات فراتر از بحران
- فیلم (مذهب در فیلم های سینمای متقدم، سینمای مذهبی دهه های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰، دهه های ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰، سینما فراتر از مسیحیت، سینمای نیکوکاری، دهه ۱۹۵۰، دهه ۱۹۶۰، تحولات اخیر)
- فراتر از اخبار؛ رویدادهای ایران و جهان
- فراتر از اخبار؛ ایران و جهان
- فراتر از اخبار؛ ایران و جهان
- جریان شناسی فرهنگی زنان فارغ التحصیل از مدارس دخترانه غربی در ایران دوران قاجار و پهلوی اول مؤثر در کشف حجاب
- باغ ایرانی فراتر از یک باغ زمینی معماری باغ و امکان تأثیر آن در طراحی فضاهای سبز شهری
- مقایسه تطبیقی گزارش های منابع تاریخی و قرآن درباره جریان نفاق عملکرد و روش های مقابله با آن از بعثت پیامبر(ص) تا غزوه بدر



علیرضا صدرا؛ فراتر از گروه و جریان

گفت و گو با دکتر ابراهیم متقی

دکتر ابراهیم متقی، استاد گروه روابط بین‌الملل دانشگاه تهران و رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی این دانشگاه است. برخی از آثار وی عبارت‌اند از:

کتابها: ترامپ، جمهوری اسلامی ایران و سیاست بین‌الملل؛ ضرورت‌ها و الزام‌های پیمان دفاعی جمهوری اسلامی؛ نشانه‌ها و فرایندهای تصاعد بحران عربستان در مواجهه با ج.ا.ایران؛ ایران در نگرش نخبگان نهادهای اجتماعی و ساختار سیاسی آمریکا.

مقالات: «هویت‌گرایی و نظم منطقه‌ای خاورمیانه»؛ «محیط‌شناسی در دیپلماسی عمومی؛ مطالعه موردی دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران در قبال عربستان سعودی»؛ «قابلیت تحلیلی نظریه ساختاری و نهادی برای تحلیل کنشگری ایران در دو رخداد «ملی شدن صنعت نفت و برجام»؛ «سیاست جهانی چین در حوزه نفت و انرژی».

مصاحبه حاضر با دکتر ابراهیم متقی در مورد دکتر مرحوم صدرا صورت گرفته است. آشنایی ایشان با دکتر صدرا به دوران دانشجویی برمی‌گردد؛ زمانی که دکتر صدرا دو دوره قدیمی‌تر از دکتر متقی در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه تربیت مدرس در رشته علوم سیاسی به تحصیل مشغول بود. ایشان در این مصاحبه ارتباط خود با دکتر صدرا را نه یک ارتباط ناشی از مسائل علمی - به‌خاطر تفاوت‌گرایش تخصصی خود با دکتر صدرا - و نه یک ارتباط برخاسته از مسائل جناحی و حزبی که بیشتر یک ارتباط دوستانه و صمیمانه می‌داند.

توصیفات دکتر متقی از دکتر صدرا را می‌توان توصیفی از شخصیت ایشان در جنبه‌های مختلف دانست. ایشان در تبیین شخصیت فردی دکتر صدرا، وی را فردی سنتی با رویکرد مذهبی می‌داند. همچنین در مورد شخصیت علمی، حوزه کار ایشان را «اندیشه» می‌داند؛ مانند اندیشه سیاسی اسلام و اندیشه سیاسی باستان و ایشان را پیرو و علاقه‌مند به اندیشه فارابی می‌شناسد. ایشان دکتر صدرا را در مورد

شخصیت رفتاری، اجتماعی و سیاسی، دارای شخصیتی جمع‌گرا می‌داند؛ شخصیتی که با وجود داشتن اختلاف با جناح‌های سیاسی دیگر سعی می‌کرد نسبت به دیگران سنگربندی نداشته باشد و زمینه مذاکره سازنده را میان گروه‌ها و طیف‌های مختلف ایجاد کند.

جمع‌گرایی ایشان بود. طبیعی است که شخصیت جمع‌گرا می‌تواند نقش ارتباطی سازنده ایفا کند، اما چون در جامعه ایران عموماً جناح‌ها و جریان‌ها، بسیار در وضعیت رادیکال قرار می‌گیرند، نقش نیروهای میانی مقداری محدود خواهد شد که در نتیجه، دکتر صدرا هرگز نتوانست زمینه یک نوع دیالوگ سازنده یا همگرا و هم‌افزا را بین این دو مجموعه فراهم کند. علتش هم این بود که ایشان با همان مجموعه آقای دکتر ابوالحسنی و دکتر موتقی در یک فضا قرار داشتند و برخی افراد دیگر مانند آقای دکتر قنابدباشی و آقای دکتر سعید فانیان و آقای دکتر فریدون احمدوند در مجموعه دیگری قرار داشتند. ما نیز ریشه‌های تاریخی متفاوتی داشتیم. من و آقای دکتر حاتم قادری، خانم چابکی و خانم کولایی چون از دانشگاه‌های دیگری بودیم، وارد این دسته‌بندی سیاسی نشدیم؛ این دسته‌بندی جریانی که ریشه‌های تاریخی دارد.

بسیار جالب بود. این دسته‌بندی که اشاره کردید که به نوعی، می‌تواند جریان‌شناسی بسیاری از مسائل نیز باشد که بعداً به آن خواهیم پرداخت. ممکن است بفرمایید در مراحل پس از آن مقطع، همکاری داشتید یا خیر؟ اگر همکاری علمی داشتید یا در هر صورت، رفت‌وآمد شما با یکدیگر به چه صورتی بود؟

خیر. چون حوزه کاری ایشان اندیشه سیاسی اسلام و حوزه کاری من روابط بین‌الملل بود؛ بنابراین، ما همکاری علمی یا سازمانی نداشتیم. از لحاظ سازمانی هم طبعاً هیچ ارتباطی وجود نداشت، مگر به‌عنوان دو همکار در دانشگاه تهران که در آنجا رویکردها و صمیمیت و احساس تعلق به همدیگر جمع‌گرایانه بود. بخشی از آن به اخلاق و بخشی دیگر به یک فضای قطب‌بندی‌شده که در آن مقطع زمانی ایجاد شده بود، مربوط می‌شود. قطب‌بندی به این صورت بود که مجموعه‌های تربیت‌مدرس یا مجموعه‌های مذهبی و مجموعه‌های غیر تربیت‌مدرس که طبعاً یک نوع رویکرد شبه سکولار داشتند، از هم متمایز بودند. نگاه ما نیز بیشتر

جناب دکتر متقی از چه زمانی با مرحوم دکتر صدرا آشنا شدید و شخصیت ایشان را چگونه دیدید و ارزیابی کردید؟

من از دوره دانشجویی کارشناسی ارشد، آقای دکتر صدرا را به خاطر دارم. ایشان نسبت به من دو دوره قدیمی‌تر بودند و در زمره دانشجویان اولیه دانشگاه تربیت مدرس در حوزه علوم سیاسی، فعالیت داشتند. طبعاً قالب‌های فکری و ادراکی دانشجویان مجموعه‌های علوم سیاسی که بعداً آسائید این رشته را تشکیل دادند، با یکدیگر متفاوت و متمایز بود. نوعی گروه‌بندی در بین دانشجویان علوم سیاسی دانشگاه تربیت مدرس وجود داشت که برخی از افراد را به هم متصل می‌کرد و برخی از افراد را در جناح‌بندی‌های رقیب قرار می‌داد.

این موارد مربوط به چه سالی است؟

مربوط به سال ۱۳۶۴ است که بخش قابل توجهی از این جناح‌بندی‌ها ریشه تاریخی داشت و مربوط به دانشکده علوم سیاسی و امور حزبی بود که برخی از دانشجویان دوره لیسانس را در آنجا گذرانده بودند. من که دانشجوی لیسانس دانشگاه تهران بودم، با این جناح‌بندی‌ها فاصله داشته‌ام و هرگز تمایلی نداشتم که خودم را در وضعیت یک نوع جناح‌بندی سیاسی یا خصلتی طبقه‌بندی کنم، اما آقای دکتر صدرا با وجود اینکه بسیار جمع‌گرایی بود، ولی بخشی از یک نوع جهت‌گیری جریان تربیت مدرس علوم سیاسی محسوب می‌شد.

طبیعی بود که برخی از این مجموعه‌ها تعلق خاطر بیشتری نسبت به آقای دکتر صدرا داشته باشند، ولی شخصیت ایشان فراتر از آن شخصیت حتی جناح‌بندی که در فضای دانشگاهی تربیت مدرس به چشم می‌خورد، قرار داشت. یک نگاه جمع‌گرایانه با قالبی از رفاقت عمومی وجود داشت و به‌همین دلیل نیرویی بود که مورد پذیرش طیف گسترده‌تری از افراد قرار گرفته بود. اولین ویژگی شخصیتی ایشان که مورد توجه من قرار گرفت،

نگاه نسلی بود و ارتباط نگاه نسلی با مجموعه‌های هم‌دوره و هم‌نسل خودش ممکن می‌شود. به همین دلیل بود که برخی از انتخاب‌های گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران در رویکرد و تفکر نسبتاً مشابه بود.

با توجه به اینکه جناب عالی و دکتر صدرا در فضای دانشگاه تهران بودید، آن تعلق خاطرها، آن علقه‌ها و نقاط مشترک آیا بین خودتان و مرحوم صدرا را در می‌یافتید؟ در چه زمینه‌ها و در چه حوزه‌هایی بود؟

کنش ارتباطی ماهیت طبقاتی دارد. هرچند فضای ارتباطی من با ایشان بسیار عمیق نبود، اما بسیار دوستانه و صمیمی بود، ولی چون حوزه تخصصی ما متفاوت بود، در نتیجه در گفت‌وگوهای علمی در کنار یکدیگر قرار نمی‌گرفتیم. ایشان نماینده مجلس شدند، فکر می‌کنم در مجلس سوم که طبعاً حضور ایشان را در دانشکده کم‌رنگ کرد. علاقه به کارهای اجرایی داشتند و پس از نمایندگی مجلس در مرکز مطالعات کار و در وزارت کار فعالیت داشتند. بخش عمده‌ای از فضای ارتباطی ایشان به کسانی مربوط می‌شد که در آن حوزه‌های اجرایی در کنار یکدیگر بودند؛ بنابراین الگوی کنش ارتباطی ما یک فضای دوستانه در گروهی بود که گاهی قطبی و یونیزه می‌شد و گاه در فضای ائتلاف قرار داشتیم و گاهی نیز هرکسی انتخاب و راه خودش را داشت، اما این را عرض کنم که ویژگی اصلی دکتر صدرا این بود که در وضعیت سنگربندی با دیگران قرار نمی‌گرفت. رویکرد انسانی یکی از ویژگی‌های اصلی دکتر صدرا در گروه علوم سیاسی دانشگاه تهران بود و ایشان در موارد مختلف تلاش بسیار داشت تا در روابط اساتید حس متقابل به وجود بیاید.

آقای دکتر متقی، اگر انقلاب اسلامی را برای سنجش جریان‌ها و شخصیت‌ها به‌عنوان محور قرار دهیم، مرحوم دکتر صدرا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

دکتر صدرا شخصیتی سنتی با رویکرد مذهبی بود. مورد توجه قرار دادن انسجام مکانیکی، از ویژگی‌های جامعه سنتی است و در مقایسه با فضایی که در حال گذار است، فضای سنتی از پایداری بیشتری برخوردار است و به همین علت بود که دکتر صدرا تمایل بیشتری به فضای سنتی داشت؛ بنابراین، فضای جبهه‌بندی‌ها ربطی به انقلاب اسلامی ندارد. جبهه‌بندی یکی از ویژگی‌های بارز جامعه ایرانی است و انسان‌ها بیش از آنکه تحت تأثیر پدیده‌ای مثل انقلاب تقسیم‌بندی شوند، ترجیح می‌دهند قالب ادراکی خود را بر اساس خودی و غیر خودی تقسیم‌بندی کنند.

دکتر صدرا با وجود اینکه به یک جریان خاصی تعلق داشت، اما قالب جریانی و قالب عمومی که ماهیت انسانی داشت، از ایشان به چشم می‌خورد. ویژگی اصلی ایشان این بود که هم به قالب‌های جریانی تعلق خاطر داشت و هم در فضای کنش ارتباطی و همسنگی اجتماعی و سازمانی، به‌عنوان استاد دانشگاه تهران نیز نگاهی سازنده، همگرا و هم‌افزا داشت.

جناب عالی در حوزه تخصصی روابط بین‌الملل و مرحوم صدرا در حوزه تخصصی علم سیاست کار کردید و هر دو هم به نوعی با بحث حفظ قدرت و انتقال قدرت پیوند می‌خورد. هر دو به لحاظ نگاه تخصصی و آکادمیک علمی چه در حوزه علم سیاست و چه در حوزه بحث روابط بین‌الملل، بحث قدرت به نظر می‌رسد بسیار موضوعیت دارد و ایشان از منظر خودش در این مبحث فعالیت داشت و شما با یک نگاه و رویکرد دیگری در حال فعالیت بودید. ساختار قدرت در جمهوری اسلامی در زمانی که شما و مرحوم صدرا به‌عنوان اساتید علم سیاست و اساتید روابط بین‌الملل در این کشور مشغول به کار و فعالیت و تربیت نیرو و شاگرد بودید، کجای این جور چین قرار می‌گیرید؟ تلاش‌های اساتیدی مانند جناب عالی و مرحوم صدرا برای ما اهمیت

دکتر صدرا شخصیتی سنتی با رویکرد مذهبی بود. مورد توجه قرار دادن انسجام مکانیکی، از ویژگی‌های جامعه سنتی است و در مقایسه با فضایی که در حال گذار است، فضای سنتی از پایداری بیشتری برخوردار است و به همین علت بود که دکتر صدرا تمایل بیشتری به فضای سنتی داشت؛

سطح کنش ارتباطی گروه‌محور بود. نه حوزه تخصصی ما با هم‌دیگر مشابهت داشت و نه رویکردهایی که مربوط به جبهه‌بندی‌های شبه‌سیاسی یا شبه‌سازمانی باشد، در نقطه اشتراک قرار داشت. به همین دلیل یک نوع صمیمیتی در روابط ما وجود داشت که این صمیمیت عمق زیادی به لحاظ ایدئولوژیک یا مطالعاتی یا همکاری نداشت، اما تداوم داشت و این تداوم نشان‌دهنده روح بزرگ ایشان در ارتباط با کنشگری درون‌گروهی بود. ■

بسیار بالایی دارد. برای امثال من که امروز دانشجوی علوم سیاسی هستیم و ممکن است کسی دانشجوی روابط بین‌الملل باشد و بعداً گفت‌وگوی ما را بخواند، بسیار مهم است که اساتید ما که پیشینه ما محسوب می‌شوند در این فضا چه مسیری را تا بدین جا برای ما آوردند و ما قرار است که این مسیر را به چه شکلی ادامه دهیم؟

حوزه دکتر صدرا اندیشه بود. ایشان به فارابی تعلق خاطر داشت و با علامه جعفری ارتباط بسیار دوستانه‌ای داشت و قالب‌های ادراکی ایشان به اندیشه سیاسی اسلام و اندیشه سیاسی باستان یک نوع ارتباط مستقیم داشت؛ درحالی‌که حوزه کار من نظریه‌های روابط بین‌الملل و سیاست خارجی بود که در دو فضای کاملاً متفاوت قرار می‌گیرد. ما هرگز رقیب علمی و درسی نبودیم و هرگز باهم کلاس مشترک نداشتیم، ولی پایان‌نامه‌های مشترک بسیار محدودی داشتیم؛ بنابراین فضای کنش ارتباطی ما بیش از آنکه جریانی، جناحی و جزئی باشد و یا اینکه مربوط به یک تعلق یا اختلاف نظر مربوط به حوزه مطالعاتی خاصی باشد، مبتنی بر صمیمیت مربوط به گروهی بود که افراد در کنار یکدیگر معنا پیدا می‌کردند؛ یعنی بدون درس اندیشه سیاسی اسلام رشته من معنا پیدا نمی‌کرد؛ همان‌گونه که بخشی از حوزه تخصصی ما نیز ماهیت روابط بین‌المللی داشت.

به شخصیت جمع‌گرای ایشان یعنی کنش‌گر بودن در عرصه سیاسی، سیاست اجتماعی و انسانی ایشان اشاره کردید. آیا نکته دیگری به لحاظ شخصیتی، چه شخصیت اخلاقی چه شخصیت اجتماعی و سیاسی و ابعاد فرهنگی وجود دارد که به آن اشاره نفرموده باشید، یا چیزی که جناب عالی در شخصیت ایشان از نزدیک دیده باشید؟

همان بود که خدمتتان عرض کردم؛ یعنی برداشت من در